

## ماژول ۵ توهين و افترا

ماژول‌هایی در مورد دادرسی در  
حوزه آزادی بیان و حقوق  
دیجیتال در جنوب و جنوب شرق  
آسیا



ناشر: موسسه دفاع رسانه ([www.mediadefence.org](http://www.mediadefence.org))  
این مجموعه با همکاری مرکز حقوق و دموکراسی (Centre for Law and Democracy)  
به نشانی اینترنتی: <https://www.law-democracy.org/live/> و با مشارکت  
ALT Advisory به نشانی اینترنتی <https://altadvisory.africa> تهیه شده است.

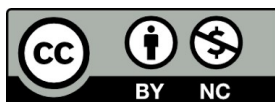
ژوئن ۲۰۲۲

با همکاری سازمان بین‌المللی حقوق غیرانتفاعی



این اثر تحت لیسانس بین‌المللی Commons Attribution-NonCommercial 4.0 منتشر شده است که به این معنی است که اشتراک‌گذاری و اقتباس از این مجموعه آموزشی بلامانع است، به شرطی که به طور مناسب به منبع اصلی ارجاع و به لیسانس موجود در این اثر لینک داده شود و در صورتی که تغییراتی در آن ایجاد شد، اعلام گردد. هرگونه اشتراک‌گذاری یا اقتباس از این مجموعه باید برای اهداف غیرتجاری باشد و باید تحت همان شرایط "اشتراک مشابه" در دسترس قرار گیرد. شرایط کامل مجوز در آدرس اینترنتی زیر قابل مشاهده است:

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>



#### سلب مسئولیت

رسانی و پژوهشی ارائه شده است. این متن مشاوره حقوقی محسوب‌این انتشار صرفاً برای اهداف اطلاع عنوان چنین تلقی یا بر آن تکیه شود. با وجود تلاش فراوان برای اطمینان از دقت‌شود و نباید به‌نمی گونه مسئولیتی در قبال هرگونه خسارت یا زیان ناشی از اتکااطلاعات مندرج در اینجا، مدیا دیفنس هیچ شود پیش از هرگونه اقدام بر اساس اطلاعات موجودپذیرد. به خوانندگان توصیه می‌به این مطالب نمی در این انتشار، مشاوره حقوقی مستقل دریافت کنند

## فهرست مطالب

1	مقدمه .....
2	منظور از توهین و افترا چیست؟ .....
2	توهین کیفری .....
3	توهین مدنی .....
4	آیا بیان حقایق و اظهارات واقعی می‌توان توهین‌آمیز تلقی شود؟ .....
4	حق حمایت و محافظت در برابر حمله به آبرو و حیثیت .....
5	روش صحیح برخورد و مقابله با توهین و افترا در فضای آنلاین چیست .....
7	انواع اظهارات توهین‌آمیز بالقوه .....
7	تفاوت اظهار نظر و بیان واقعیت .....
9	انواع دعاوی و ادعاها .....
9	دعای استراتژیک علیه مشارکت عمومی .....
10	قوانین مربوط به توهین و افترا .....
11	نتیجه‌گیری .....

## ماژول ۵

### توهین و افترا

- توهین و افترا اغلب برای سرکوب ناعادلانه مخالفان مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، می‌تواند راهکاری واقعی برای کسانی باشد که اعتبار و شهرت آنها توسط اظهارات یا اقدامات دیگران آسیب دیده است.
- توهین و افترای کیفی در قوانین بین‌المللی به طور کلی نامتناسب تلقی می‌شود. حتی توهین و افترای مدنی نیز اغلب به شدت مجازات می‌شود و فراتر از اصلاح اشتباه و جبران خسارت وارده است.
- حقیقت، جوهره و محور اصلی دفاع در دعاوی توهین و افترا محسوب می‌شود.
- برخی از انواع گفتار مانند ابراز نظرات و طنز و شوخی نباید مشمول دعاوی توهین و افترا قرار گیرند.
- افزایش طرح دعاوی حقوقی استراتژیک علیه مشارکت عمومی (SLAPP<sup>1</sup>) توسط شرکت های تجاری، که از قوانین توهین و افترا برای ساکت کردن یا ارباب منتقدان خود استفاده می‌کنند، یک تحول نگران کننده در عصر حاضر است که باید به آن پرداخته شود.

#### مقدمه

مطرح کردن دعاوی توهین و افترای بی‌پایه و اساس، روشی مشهور برای سرکوب آزادی بیان و مخالفت است، به ویژه در مورد روزنامه‌نگاران. در حالی که هدف قوانین توهین و افترا ارائه راهکاری برای افراد در برابر اظهارات عمومی است که به شهرت آنها لطمه می‌زند، اما به ناچار با حق آزادی بیان در تضاد و تعارض قرار می‌گیرند. ایجاد توازن صحیح میان حمایت از آزادی بیان و حق عموم برای دسترسی به اطلاعات با حفاظت و حمایت از حیثیت و اعتبار افراد، محور اصلی تناسب یا عدم تناسب قوانین و ادعاهای توهین و افترا محسوب می‌شود.

تأثیر اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که انتشار محتوا برای مخاطبان گسترده آسان‌تر از هر زمان دیگری شود. در نتیجه، دعاوی توهین و افترا، خواه موجه باشد یا به ناحق، به ابزاری رایج علیه نویسندگان و اظهارات منتشر شده در فضای مجازی تبدیل شده‌اند، و در عین حال به افزایش قابل توجه اظهارات توهین‌آمیز نیز کمک کرده‌اند.

توانایی انتشار آزادانه اطلاعات در رسانه‌های اجتماعی و اینترنت بدون همان سطح از تصور و بررسی که در رسانه‌های سنتی وجود دارد، در ترکیب با عدم آگاهی از قوانین توهین و افترا و این واقعیت که بسیاری از کشورها مقررات قانونی مبهمی در خصوص توهین و افترا در فضای آنلاین اتخاذ کرده‌اند، منجر به افزایش موارد مربوط به توهین و افترا در فضای مجازی و ابهام در نحوه اعمال قوانین توهین و افترا در محیط آنلاین شده است.<sup>2</sup>

رسیدگی به پرونده‌های توهین و افترای آنلاین به دلایل متعددی چالش‌برانگیز است. محیط آنلاین می‌تواند شناسایی یا ردیابی نویسندگان را دشوارتر کند و قربانیان ممکن است بخواهند نویسنده یا اپراتور سیستم را تحت تعقیب قضایی قرار داده و علیه او اقدام کنند، زیرا برخی از نظام‌های قانونی، هر کسی که در انتشار و باز نشر اظهارات توهین‌آمیز مشارکت کند را به یک اندازه مسئول می‌دانند. علاوه بر این، تعیین صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به موضوع می‌تواند دشوار باشد، زیرا پیام‌های منتشر شده به صورت

<sup>1</sup> دعاوی استراتژیک علیه مشارکت عمومی

<sup>2</sup> در خصوص استفاده بیش از حد از مقررات توهین و افترا برای هدف قرار دادن گفتارهای آنلاین، به گزارش کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان تحت عنوان "دیکنه کردن اینترنت: محدود کردن آزادی بیان، عقیده و اطلاعات آنلاین در جنوب شرقی آسیا"، (۲۰۱۹) مراجعه کنید:

<https://www.icj.org/wp-content/uploads/2019/12/Southeast-Asia-Dictating-the-Internet-Publications-Reports-Thematic-reports-2019-ENG.pdf>

آنلاین در سراسر جهان در دسترس هستند و طرفین یک اختلاف ممکن است از حوزه‌های قضایی مختلف باشند و در مناطق مختلفی واقع شده باشند.

این ماژول یک مرور کلی بر قوانین مرتبط با توهین و افترا در جنوب و جنوب شرقی آسیا و همینطور نحوه تلاش دادگاه‌ها برای ایجاد تعادل بین حقوق مختلف در رویه‌های قضایی اخیر با تمرکز ویژه بر پرونده‌های افترا در محیط آنلاین را ارائه می‌دهد.

## منظور از توهین و افترا چیست؟

توهین و افترا به توهین و افترا به بیانات غیر حقیقی ای اطلاق می‌شود که به آبرو و حیثیت یک فرد لطمه می‌زند. امپراتوری روم باستان باز می‌گردد. اگرچه مجازات‌ها و جریمه‌های مرتبط با افترا امروزه اغلب به اندازه گذشته جدی نیستند، اما همچنان می‌توانند تأثیر "سرکوبگرانه و بازدارنده" زیادی داشته باشند. احکام زندان یا جریمه‌های نقدی کلان و غرامت‌های سنگین، خطر جدی برای آزادی بیان، آزادی مطبوعات و مخالفت در بسیاری از کشورها محسوب می‌شوند.

اساس و مبنای حقوقی توهین و افترا در حقوق بین‌الملل، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) است که از افراد در برابر حملات غیرقانونی به حیثیت و آبرو آنها محافظت می‌کند. بند ۳ ماده ۱۹ نیز به حقوق و آبرو دیگران به عنوان دلیل مشروع برای محدود کردن آزادی بیان اشاره دارد.<sup>۳</sup> بنابراین آبرو و اعتبار، مبنای هر ادعای توهین و افترا محسوب می‌شود.<sup>۴</sup>

مثال‌های زیادی وجود دارد که دعاوی توهین و افترا نقش مهمی را در ارائه راهکار برای قربانیان حملات توهین‌آمیز و مضر علیه آبرو و حیثیت داشته‌اند. با این حال اغلب، توهین و افترا، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. به ویژه از سوی دولت‌ها و مقامات و همچنین نهادهای غیردولتی برای سرکوب آزادی بیان، از جمله از طریق طرح دعاوی حقوقی استراتژیک علیه مشارکت عمومی SLPP.

## توهین کیفری

از نظر تاریخی، به طور معمول توهین یک جرم کیفری محسوب می‌شد. بسیاری از کشورها هنوز قانون توهین کیفری در قوانین خود دارند. اما این امر در حال حاضر، به طور گسترده‌ای به عنوان محدودیت در آزادی بیان مشکل‌ساز تلقی می‌شود، از جمله از جانب سازمان ملل متحد (UN) که از کشورها خواسته است تا این قوانین را مجدداً مورد بازنگری قرار دهند. به عنوان مثال، **نظر عمومی شماره ۳۴** کمیته حقوق بشر سازمان ملل (UNHRC) بیان می‌کند که: "کشورهای عضو باید جرم‌زدایی توهین را مدنظر قرار دهند و در هر صورت، اعمال قانون کیفری صرفاً باید در جدی‌ترین موارد مدنظر قرار گیرد و زندان هرگز مجازات مناسبی برای توهین نیست."<sup>۵</sup>

اعمال مجازات‌های کیفری در دعاوی مرتبط با توهین در جنوب شرقی آسیا، در پرونده شکایت الکساندر آونیس علیه دولت فیلیپین،<sup>۶</sup> مورد بررسی کمیته حقوق بشر سازمان ملل قرار گرفت. در این پرونده، شکایت مطرح شده توسط یک گوینده رادیویی که به جرم افترا محکوم شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. شاکی ادعا کرد که محکومیت وی مغایر با ماده ۱۹ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی است، زیرا تدابیر کمتر محدودکننده‌ای می‌توانست اتخاذ شود. عدم امکان تمسک به "حقیقت" به عنوان حجت در دفاعیت جز در شرایط محدود، عدم امکان تمسک به دفاع "منافع عمومی" و پیش فرض قرار دادن

<sup>۳</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۷۶): <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>

<sup>۴</sup> برای بحث و بررسی بیشتر در مورد قانون توهین، به ماده ۱۹ اصول و مبانی افترا، تبصره ۳ مراجعه کنید.

<sup>۵</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، "نظر عمومی شماره ۳۴، ماده ۴۷ (۲۰۱۱):

<https://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/docs/gc34.pdf>

<sup>۶</sup> پرونده شماره CCPR/C/103/D/1815/2008/Rev.1 (۲۰۰۸): <https://juris.ohchr.org/Search/Details/1613>

سوء نیت، که باعث انتقال بار اثبات دعوی بر دوش متهم می‌شود.<sup>7</sup> کمیته دریافت که در چنین شرایطی محکومیت، یک محدودیت غیر قابل توجیه برای آزادی بیان است و با ماده ۱۹ (بند ۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایر است.<sup>8</sup>

علی‌رغم تکامل استانداردهای بین‌المللی در راستای در نظر گرفتن توهین و افترا کیفری، به عنوان یک محدودیت نامتناسب بر آزادی بیان، بسیاری از کشورها همچنان قوانین توهین کیفری را حفظ کرده‌اند. با این حال، در طول این سال‌ها شاهد برخی تحولات مثبت در این زمینه بوده‌ایم. به ویژه در سال ۲۰۰۲، سریلانکا با اصلاح قانون مجازات کیفری خود، جرم توهین کیفری را حذف کرد.<sup>9</sup>

#### تدابیر و حمایت‌های لازم برای جلوگیری از سوءاستفاده از قوانین توهین کیفری

- زمانی که قانون توهین کیفری همچنان در قوانین یک کشور وجود دارد، باید حداقل حمایت‌ها و الزامات سختگیرانه برای جلوگیری از استفاده از این قانون برای سرکوب آزادی بیان اعمال شود:<sup>10</sup>
- استاندارد اثبات کیفری (فرا تر از هرگونه شک معقول و منطقی) باید به طور کامل رعایت گردد.<sup>11</sup>
  - محکومیت به جرم توهین کیفری تنها زمانی باید صورت گیرد که اظهارات توهین‌آمیز به طور قطع نادرست باشند و عنصر روانی جرم نیز احراز شده باشد، یعنی اظهارات با آگاهی از نادرستی یا بی‌توجهی آشکار به درست یا نادرست بودن آنها بیان شده باشند.
  - مجازات‌ها نباید شامل حبس و زندان یا تعلیق حق آزادی بیان یا حق فعالیت روزنامه‌نگاری باشد.<sup>12</sup>
  - به عنوان یک روش کمتر محدودکننده، هنگامی که گزینه قانون مدنی به راحتی در دسترس است، دولت‌ها نباید به قانون کیفری روی بیاورند.<sup>13</sup>

### توهین مدنی

علی‌رغم توافق گسترده مبنی بر نامناسب بودن مجازات کیفری برای توهین و افترا، اما همچنان نیاز به راهکاری برای کسانی که اعتبار و آبروی آنها به ناحق خدشه‌دار شده، احساس می‌شود.

بنابراین، تقریباً تمام کشورها قوانین داخلی برای حمایت در برابر توهین و افترا دارند، اما این قوانین در حوزه‌های قضایی مختلف، متفاوت است. در برخی کشورها، قوانین توهین و افترا در قبال آزادی بیان بیش از حد محدودکننده هستند؛ به عنوان مثال، با محدود کردن انتقاد از رهبران یا با پیش‌بینی مجازات‌ها و تحریم‌های شدید و نامتناسب. یکی دیگر از چالش‌های آزادی بیان این است که برخی قضات و هیئت‌های منصفه مبالغه‌گرانه بیش از حد زیادی را در موارد توهین و افترا مدنی تعیین می‌کنند.

اگر شخصی بتواند ادعای توهین و افترا مدنی را اثبات کند و شخص مسئول بیان اظهارات توهین‌آمیز یا منتشر کننده این اظهارات نتواند دفاع قابل قبولی ارائه دهد، معمولاً شخصی که آبرو و حیثیت او خدشه‌دار شده است، مستحق دریافت جبران خسارت مالی معقول در قالب خسارات مدنی خواهد بود. در حالی که دعاوی توهین و افترا مدنی ممکن است اهداف مدنظر اعاده حیثیت یا آبرو را محقق کنند، اما

<sup>7</sup> همان، پاراگراف ۷.۷

<sup>8</sup> همان، پاراگراف ۷.۱۰

<sup>9</sup> زی نیوز، "سریلانکا قانون توهین جنایی را لغو می‌کند"، (۲۰۰۲):

[https://zeenews.india.com/news/south-asia/sri-lanka-abolishes-criminal-defamation\\_45922.html](https://zeenews.india.com/news/south-asia/sri-lanka-abolishes-criminal-defamation_45922.html)

<sup>10</sup> توبی مندل، تعریف اصول توهین و افترا در خصوص آزادی بیان و حفاظت از حیثیت و آبرو (ماده ۱۹، ۲۰۰۰) اصل ۴:

<https://www.article19.org/wp-content/uploads/2018/02/defining-defamation.pdf>

<sup>11</sup> دادگاه بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر، پرونده کیمل علیه آرژانتین، (۲۰۰۸):

[https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec\\_177\\_ing.pdf](https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_177_ing.pdf)

<sup>12</sup> برای مثال مراجعه کنید به: دادگاه آفریقایی حقوق بشر و مردم، پرونده کوناته علیه بورکینافاسو، درخواست شماره 2013/004 (۲۰۱۴):

<http://www.ijrcenter.org/wp-content/uploads/2015/02/Konate-Decision-English.pdf>

<sup>13</sup> به عنوان مثال مراجعه کنید به: دادگاه اروپایی حقوق بشر، پرونده Amorim Giestas و Jesus Costa Bordalo علیه پرتغال، درخواست شماره 10/37840 (۲۰۱۴)، بند ۳۶:

<https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-142084>

می‌توانند مورد سوءاستفاده قرار گیرند و باعث ایجاد "اثر سرکوبگر" بر بهرهمندی و اعمال کامل حق آزادی بیان شوند.

## آیا بیان حقایق و اظهارات واقعی می‌توان توهین‌آمیز تلقی شود؟

در اکثر حوزه‌های قضایی، مطابق با قوانین بین‌المللی، بیان حقیقت یک دفاع مطلق در برابر ادعای توهین و افترا محسوب می‌شود. با این حال، در برخی حوزه‌ها، حقیقت به تنهایی کافی نیست: لازم است که منافع عمومی در انتشار اظهارات نیز احراز شود.

دادگاه‌ها در برخی حوزه‌های قضایی همچنین حکم داده‌اند که حتی اظهارات نادرست نیز ممکن است در برابر ادعای توهین و افترا مصون باشند. در پرونده "راجاگوپال و آنور علیه ایالت تامیل نادو" 14 که در دادگاه عالی هند رسیدگی شد، یکی از مسائل کلیدی این بود که آیا مقامات عمومی می‌توانند از انتشار زندگی‌نامه‌ای که ادعا می‌کردند آنها را مورد توهین و افترا قرار داده، جلوگیری کنند یا خیر. دادگاه تعدادی از آرای برجسته را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که حتی اظهارات نادرست درباره مقامات نیز مشمول ادعای توهین و افترا نمی‌شوند، مگر اینکه با بی‌ملاحظگی منتشر شده باشند:

"در مورد مقامات دولتی... راهکار جبران خسارت صرفاً با توجه به اقدامات و رفتارشان مرتبط با انجام وظایف رسمی آنها در دسترس نیست. این موضوع حتی در مواردی که انتشار بر اساس حقایق و اظهارات نادرست هستند نیز صدق می‌کند، مگر اینکه مقام رسمی یا دولتی ثابت کند که انتشار (توسط متهم) با بی‌توجهی به حقیقت صورت گرفته است." 15

در بیانیه مشترک سال ۲۰۰۰ مأموریت‌های ویژه بین‌المللی در زمینه آزادی بیان که بر موضوع توهین و افترا متمرکز بود، اظهار شده است:

"قوانین توهین و افترا حداقل باید با استانداردهای زیر مطابقت داشته باشند:

• در رابطه با اظهارات در خصوص مسائل مربوط به منافع عمومی، باید این دفاع پذیرفته شود که نشان داده شود انتشار اظهارات در تمام شرایط، معقول بوده است." 16

همچنین در **نظر عمومی شماره ۳۴** آمده است که "باید منافع عمومی در موضوع مورد انتقاد، به عنوان یک دفاع در برابر توهین و افترا شناخته شود." 17

## حق حمایت و محافظت در برابر حمله به آبرو و حیثیت

حق حمایت در برابر حمله به حیثیت و آبرو به طور قاطع در قوانین بین‌المللی تثبیت شده است. ماده ۱۲ **اعلامیه جهانی حقوق بشر** مقرر می‌دارد: "هیچ کس نباید مورد مداخله خودسرانه در امور خصوصی، خانواده، مسکن یا مکاتبات قرار گیرد و نباید آبرو و حیثیت وی مورد تعرض واقع شود. هر کس حق حمایت قانونی در برابر چنین مداخله یا حملاتی را دارد و باید از این حق برخوردار باشد." 18 این موضوع در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز با کلمات مشابه بازتاب یافته است.

14 پرونده راجاگوپال و آنور علیه ایالت تامیل نادو، [۱۹۸۴]، شماره 6: SCC 632 (SC)

<https://indiankanoon.org/doc/501107/>

15 همان، پاراگراف ۲۶.

16 اعلامیه مشترک در مورد چالش‌های فعلی آزادی رسانه‌ها (۲۰۰۰):

<https://www.osce.org/files/f/documents/c/b/40190.pdf>

17 نظر عمومی ۳۴، همان مرجع شماره ۶، صفحه ۱۲.

18 مجمع عمومی سازمان ملل متحد، "اعلامیه جهانی حقوق بشر، قطعنامه 217 A (بخش سوم)"، (۱۹۴۸):

[https://www.ohchr.org/EN/UDHR/Documents/UDHR\\_Translations/eng.pdf](https://www.ohchr.org/EN/UDHR/Documents/UDHR_Translations/eng.pdf)

بنابراین، همانطور که در بالا اشاره شد، اغلب باید میان حمایت از افراد در برابر حملات نادرست و متعارض به حیثیت و آبروی آنها از یک طرف، و آزادی بیان و حق عموم در دسترسی به اطلاعات از طرف دیگر، تعادل برقرار شود.

### روش صحیح برخورد و مقابله با توهین و افترا در فضای آنلاین چیست

هنگامی که شخصی مورد توهین و افترا قرار می‌گیرد، وی مستحق اعاده حیثیت و جبران خسارت است. اما در عمل، قوانین مربوط به توهین و افترا اغلب تنبیهی و نامتناسب هستند. احکام حبس و زندان برای جرم توهین کیفری به دلیل تأثیر آن بر آزادی بیان، نامتناسب است.<sup>19</sup> به همین ترتیب، جریمه‌ها یا مبالغ خسارت نیز نباید بیش از حد تنبیهی باشند، بلکه باید هدف آنها جبران خسارت وارده باشد.

در صورت امکان، جبران خسارت در پرونده‌های توهین و افترا باید غیرنقدی (غیرمالی) و مستقیماً معطوف به جبران و رفع خطای ناشی از اظهارات توهین‌آمیز باشد، مانند انتشار عذرخواهی یا اصلاحیه.

جرائم نقدی (پرداخت خسارت) تنها زمانی باید در نظر گرفته شود که سایر ابزارهای کمتر مداخله‌جویانه برای جبران خسارت وارده کافی نباشند. غرامت یا جبران خسارت نقدی باید بر اساس شواهدی باشد که میزان خسارت و رابطه سببی با اظهارات ادعایی توهین‌آمیز را نشان می‌دهد.

<sup>19</sup> نظر عمومی شماره ۳۴، همان مرجع شماره ۶.

### توهین و افترا در بسترهای رسانه‌ای جدید

رشد رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، سوالاتی را در خصوص اینکه آیا دکتورین‌ها و قوانین حقوقی (غیر کیفری) موجود در مورد توهین کافی هستند یا خیر مطرح کرده است. یکی از چالش‌ها، دشواری تطبیق جبران خسارات با عصر آنلاین است. همانطور که در ماژول ۲ توضیح داده شده است، هنگامی که اطلاعات توهین‌آمیز در فضای آنلاین منتشر می‌شود، به دلیل قابلیت "ویرال" شدن بالای محتوا در رسانه‌های اجتماعی، دستور حذف کامل آن دشوار خواهد بود.

مسئله دیگری که در حوزه‌های قضایی مختلف مطرح شده این است که آیا باید لینک دهی به محتوای توهین‌آمیز را مثابه انتشار این محتوا در نظر گرفت یا خیر. واضح است که یک رویکرد سخت‌گیرانه که همه لینک‌ها را به منزله انتشار چنین محتوایی تلقی کند، اثر سرکوبگری بر آزادی بیان در فضای آنلاین خواهد داشت. اما دادگاه‌ها با این پرسش دشوارتر نیز روبرو بوده‌اند که آیا می‌توان چنین لینک‌هایی را گاهی به عنوان عوامل انتشار در نظر گرفت یا خیر.

در پرونده کروکس علیه نیوتن، دادگاه عالی کانادا اعلام کرد که استفاده از لینک‌های اینترنتی اولیه، در صورت عدم تکرار محتوای خاص، به تنهایی نمی‌تواند به عنوان انتشار مطالب توهین‌آمیز محسوب شود.<sup>20</sup> با این حال، اکثریت از ارائه هرگونه رویکرد قطعی در مورد لینک‌های پیچیده‌تر (مانند لینک‌های موجود در متن یا تصاویری که بدون ترک صفحه وب اصلی، به طور خودکار محتوا را نمایش می‌دهند) خودداری کردند و با اشاره به "سیالیت ذاتی و اجتناب‌ناپذیر فناوری‌های در حال تکامل"، تلاش برای پیش‌بینی یا حتی رسیدگی جامع به پیامدهای حقوقی انواع لینک‌هایی که در دسترس هستند یا ممکن است در دسترس باشند را "نامطلوب" دانسته‌اند.<sup>21</sup> در مقابل، نظر اقلیت با رویکرد اکثریت مبنی بر عدم تلقی هایپرلینک‌های اصلی به عنوان 'انتشار' موافق نبود و به جای آن، ترجیح می‌داد با رویکردی 'متناسب با شرایط هر پرونده' موضوع را ارزیابی کند که آیا "متنی که حاوی لینک است، به معنای پذیرش یا تأیید محتوای خاصی است که به آن لینک می‌شود یا خیر".<sup>22</sup> در حکم جداگانه دیگری، یک قاضی رویکردی را پیشنهاد کرد که بر اساس آن باید ارزیابی شود که آیا خواننده یا متهم با توجه به توازن احتمالات، محتوای توهین‌آمیز را عمداً به راحتی در دسترس قرار داده است یا خیر.<sup>23</sup>

دادگاه حقوق بشر اروپا، در پرونده Magyar Jeti Zrt علیه مجارستان،<sup>24</sup> یک رویکرد کلی و همه‌جانبه را در خصوص ارزیابی مسئولیت استفاده از لینک‌های اینترنتی به محتوای توهین‌آمیز اتخاذ کرد که نیاز به ارزیابی موردی هر پرونده را با در نظر گرفتن عوامل زیر مورد تأکید قرار داده است:

- (۱) آیا روزنامه‌نگار آن محتوای مورد اعتراض را تأیید کرده است؟
- (۲) آیا روزنامه‌نگار صرفاً آن محتوای مورد اعتراض را (بدون تأیید) تکرار کرده است؟
- (۳) آیا روزنامه‌نگار صرفاً یک لینک به آن محتوای مورد اعتراض (بدون تأیید یا تکرار) اضافه کرده است؟
- (۴) آیا روزنامه‌نگار می‌دانست یا باید به طور معقول می‌دانست که محتوای مورد اعتراض، توهین‌آمیز یا غیرقانونی است؟
- (۵) آیا روزنامه‌نگار با حسن نیت عمل کرده است و به اخلاق حرفه روزنامه‌نگاری پایبند بوده و در عمل به تعهدات مسئولانه حرفه روزنامه‌نگاری اهتمام لازم را داشته است؟<sup>25</sup>

در پرونده Loong علیه Hiang،<sup>26</sup> دادگاه عالی سنگاپور یک پست فیسبوک را بررسی کرد که حاوی لینک به مقاله‌ای بود که ادعا می‌شد حاوی مطالب توهین‌آمیز در مورد نخست‌وزیر سنگاپور بود؛ به‌ویژه گزارش‌هایی مبنی بر اینکه تحقیقات "در تلاش برای یافتن معاملات مخفی بین دو نخست‌وزیر فاسد سنگاپور و مالزی و رسوایی مالی آنها بود".<sup>27</sup> دادگاه عالی رویکرد "خط مشخص" دادگاه عالی کانادا در قبال هایپرلینک‌های اصلی را رد کرد و به جای آن، با استناد به رویه قضایی استرالیا، بریتانیا و دادگاه حقوق بشر اروپا در پرونده Magyar Jeti Zrt، رویکرد "ارزیابی جامع" را برگزید.<sup>28</sup> دادگاه عالی با به کارگیری این رویکرد زمینه‌ای به این نتیجه رسید که مقاله لینک شده باید جزئی از پست فیسبوک تلقی شود، زیرا لینک محتوای دیگری جز ارجاع به آن مقاله نداشت و تفسیر قابل قبول دیگری از مقاله جز تأیید محتوای آن وجود نداشت.<sup>29</sup>

اگرچه این پرونده نمونه‌ای از تلاش‌ها برای چگونگی برخورد با لینک‌ها و تأثیرپذیری متقابل رویه حقوقی دادگاه اروپایی و نظام‌های حقوقی ملی در این زمینه است، اما تصمیم نهایی دادگاه برای جبران خسارت و اعاده حیثیت در یک پرونده منتقدانه علیه نخست‌وزیر، از منظر حقوق بشر بین‌المللی نگرانی‌های جدی را مطرح می‌کند. این پرونده بخشی از یک روند نگران‌کننده و تأسفبار شکایت رهبران سنگاپور از روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی است،<sup>30</sup>

که می‌تواند اثر سرکوبگری بر آزادی بیان داشته باشد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل، دادگاه حقوق بشر اروپا، دادگاه بین‌المللی حقوق بشر و دادگاه حقوق بشر و مردم آفریقا، همگی تأکید کرده‌اند که با توجه به منافع عمومی در بحث سیاسی آزاد، اظهارات سیاسی علیه مقامات دولتی باید از حمایت ویژه‌ای برخوردار باشند.<sup>31</sup>

## انواع اظهارات توهین‌آمیز بالقوه

### تفاوت اظهار نظر و بیان واقعیت

در بالا تشریح و توضیح داده شد که ادعای نگارنده بر بیان واقعیت ممکن است افترا و توهین تلقی گردد. ولی اظهار نظر از ادعای بیان واقعیت متمایز است. بر اساس **نظر عمومی شماره ۳۴**، قوانین مربوط به افترا "نباید در مورد انواع اظهاراتی که ماهیتاً قابل تأیید نیستند،<sup>32</sup> از جمله عقاید و قضاوت‌های ارزشی، اعمال شوند". همچنین تأکید می‌کند که "همه اشکال اظهار نظر از جمله عقاید سیاسی، علمی، تاریخی، اخلاقی و مذهبی باید مورد حمایت قرار گیرند".

برای تعیین اینکه چه چیزی اظهار نظر محسوب می‌شود، دادگاه‌ها معمولاً بر این اساس قضاوت می‌کنند که آیا یک فرد معقول آن اظهارات را به عنوان ادعای قابل اثبات و تأیید در نظر می‌گیرد که می‌تواند درست یا نادرست بودن آن را ثابت کند یا نه. در خصوص شبکه‌های اجتماعی، "فرد معقول" به عنوان کسی تعریف می‌شود که معمولاً مطالب و اظهارات را دنبال و مطالعه می‌کند. دادگاه سنگاپور تعریف گسترده‌تری از "فرد معقول معمولی" ارائه کرده است: «کسی که دارای دانش و تجربه عمومی از امور جهان است».<sup>33</sup>

شرایطی که یک اظهار یا ابراز عقیده در آن بیان شده است، برای تعیین اینکه فرد معقول آن را به عنوان اظهار نظر یا به عنوان بیان واقعیت در نظر می‌گیرد، بسیار مهم است. به عنوان مثال، گاهی اوقات اظهار نظرها به گونه‌ای بیان می‌شوند که ممکن است به نظر برسد بیان واقعیت هستند.<sup>34</sup> در سال ۲۰۲۰، یک دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده شکایت علیه تاجر کارلسون مجری جنجالی برنامه گفتگوی فاکس نیوز را رد کرد و استدلال کرد که با توجه به "الحن عمومی" برنامه، بینندگان باید متوجه شوند که کارلسون در مورد موضوعاتی که مورد بحث قرار می‌دهد، "واقعیت‌ها و حقایق واقعی را بیان نمی‌کند"، بلکه

<sup>20</sup> پرونده شماره 2011 SCC، SCR 269 3، <https://www.canlii.org/en/ca/scc/doc/2011/2011scc47/2011scc47.html>

<sup>21</sup> همان، پاراگراف ۴۳ (رای آبلای جی به اکثریت، که بانی، لیبیل، شارون، روتشتاین و کرامول جی جی به او ملحق شدند).

<sup>22</sup> همان، پاراگراف ۵۰ (رای فیش جی، به همراه مک لاجلین سی.جی.).

<sup>23</sup> همان، پاراگراف ۹۳ (رای دشان جی.).

<sup>24</sup> درخواست شماره 11257 (۲۰۱۹):

<https://hudoc.echr.coe.int/eng/#f%7B%22fulltext%22:%5B%2211257/16%22%5D%7D%22documentcollectionid%22:%5B%22GRANDCHAMBER%22%22CHAMBER%22%22itemid%22:%5B%22001-187930%22%5D%7D%22>

<sup>25</sup> همان، پاراگراف ۷۷.

<sup>26</sup> پرونده شماره 66 SGHC [2021]، (۲۰۱۱): [https://www.elitigation.sg/gd/s/2021\\_SGHC\\_66](https://www.elitigation.sg/gd/s/2021_SGHC_66)

<sup>27</sup> همان، پاراگراف ۵.

<sup>28</sup> همان، پاراگراف ۴۱.

<sup>29</sup> همان، پاراگراف ۴۲.

<sup>30</sup> کمیته حمایت از خبرنگاران، «نیویورک تایمز در راستای جبران خسارت رهبران سنگاپور» (۲۰۱۰):

<https://cpj.org/2010/03/new-york-times-to-pay-damages-to-singapores-leader/>

<sup>31</sup> نظر عمومی شماره ۳۴، بند ۳۸؛ پرونده شکایت "Magyar Jeti Zrt علیه مجارستان"، بندهای ۸۱ و ۸۲ از شماره 44 در مرجع قبلی؛ پرونده شکایت "ریکاردو کانسو علیه پاراگوئه"، سری C، شماره ۱۱۱، سال ۲۰۰۴، بند ۱۰۳:

[https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec\\_111\\_ing.pdf](https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_111_ing.pdf)

و پرونده شکایت "اینگابیره ویکتوار اوموهوزا علیه رواندا"، با شماره درخواست 2014/003، سال ۲۰۱۷، بند ۱۴۲:

<https://www.african-court.org/en/images/Cases/Judgment/003-2014-Ingabire%20Victoire%20Umuhoza%20V%20Rwanda%20-%20Judgement%2024%20November%202017.pdf>

<sup>32</sup> نظر عمومی ۳۴، شماره ۶، بند ۱۲.

<sup>33</sup> همان پرونده مذکور در مرجع شماره ۲۷، بند ۲۶.

<sup>34</sup> بنیاد مرز الکترونیک، "قانون توهین آنلاین":

<https://www.eff.org/issues/bloggers/legal/liability/defamation#:~:text=Generally%2C%20defamation%20is%20a%20false,slander%20is%20a%20spoken%20defamation>

درگیر "اغراق" و "اظهارنظرهای غیرمستقیم" است که می‌توان آن را "تفسیر غیر تحت‌اللفظی" تلقی کرد.<sup>35</sup>

### طنز و شوخی

به همین ترتیب، محتوایی که یک فرد منطقی آن را به عنوان شوخی، طنز یا هجو در نظر می‌گیرد و نه بیان واقعیت، باید به عنوان یک اظهارنظر تلقی شود. به عنوان مثال، رأی دادگاه تجدیدنظر مالزی اعلام می‌دارد که:

"هیچ فرد عاقلی یک تصاویر کارتونی و طنز را با همان تمرکز، تأمل و جدیت یک اثر ادبی نمی‌خواند. طنز زندگی از جمله زندگی سیاسی را اغراق‌آمیز جلوه داده، و به بیان طنز آن را بازگو می‌کنند. [...] طنزنویسان بر خلاف نویسندگان سیاسی سعی می‌کنند با بیان طنز به نقد افراد و نهادهای مختلف بپردازند تا پیام خود را منتقل کنند. موارد استثنایی هستند که یک طنز سیاسی باعث اخلاص در نظم عمومی، امنیت جامعه یا امنیت ملی شود."<sup>36</sup>

دادگاه عالی هند در رابطه با فیلمی که حاوی آهنگی بود که برای شرکت کفش هندی باتا توهین‌آمیز تلقی می‌شد به نتیجه مشابهی رسید و استدلال کرد که: به نظر می‌رسد که این آهنگ در چارچوب موضوع فیلم نوشته شده است و نباید به عنوان هر نوع توهینی علیه افرادی که در آهنگ مذکور نام برده شده است، تلقی شود.<sup>37</sup>

### اظهارات دیگران

نکته قابل تأمل، به ویژه در خصوص روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، میزان مسئولیت آنها در قبال نقل و تکرار اظهارات توهین‌آمیز دیگران است. از آنجایی که بخش مهمی از کار روزنامه‌نگاران گزارش اظهارات و سخنان دیگران است، این مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق استدلال دادگاه حقوق بشر اروپا (ECtHR)، روزنامه‌نگار به طور خودکار مسئول نقل قول و استناد به عقاید دیگران نیست و لازم نیست به طور "سیستماتیک و رسمی" از "محتوایی که ممکن است به شخص ثالثی توهین یا آسیب برساند"<sup>38</sup> فاصله بگیرد؛ مشروط بر اینکه اظهارات بالقوه افتراآمیز را تحت عنوان گفته‌های خود تکرار نکرده باشد، از آنها حمایت نکرده یا به وضوح با آنها موافقت نکرده باشد.

### اظهارات مصون

اظهارات مصون به اظهاراتی اطلاق می‌شود که به دلیل منافع عمومی، بر اساس شرایطی که در آن بیان شده‌اند، از مسئولیت افترا مصون هستند. اظهارات قوه مقننه یا دادرسی‌های قضایی، معمولاً دارای مصونیت مطلق هستند و کاملاً مصون محسوب می‌شوند، به این معنی که نه گوینده اظهارات و نه گزارش‌های رسانه‌ای منصفانه از آنها، نمی‌توانند به جرم افترا محکوم شوند. تعدادی از اظهارات دیگر نیز که مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی یا اخلاقی هستند - مانند ارائه توصیه‌نامه برای یک فرد یا گزارش یک جرم به پلیس - از "مصونیت نسبی" برخوردار هستند، که به این معناست که مصون از مسئولیت افترا هستند؛ مگر اینکه با سوءنیت بیان شده باشند.

### مسئولیت اثبات توهین بر عهده چه کسی است؟

بر اساس اصول حقوقی بار اثبات دعوی بر عهده خواهان یا شخصی است که شکایت یا ادعایی را مطرح می‌کند. اما در مورد افترا، این اصل معمولاً برعکس می‌شود و مسئولیت اثبات بر عهده متهم یا

<sup>35</sup> دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده، ناحیه جنوبی نیویورک، پرونده شماره 1:2019 - cv11161 سند ۳۹ (۲۰۲۰):

<https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/new-york/nysdce/1:2019cv11161/527808/39/>

<sup>36</sup> دادگاه استیناف مالزی، پرونده شکایت زولکیفی بن اس ام انور اولهاکه علیه آریکریشنا آیارو (پرونده زونار)، درخواست تجدیدنظر مدنی شماره W-01-500-2011، (۲۰۱۴)

<sup>37</sup> پرونده شکایت Bata India Limited علیه پراکاش پروداکشنز و دیگران، (سوابق رسیدگی)، (SLP (C)، شماره 32998، (۲۰۱۲):

<https://www.casemine.com/judgement/in/56e0fa97607dba3896607a0a>

<sup>38</sup> دادگاه حقوق بشر اروپا، درخواست شماره 05/1131، (۲۰۰۷).

فردی است که اظهارات را بیان کرده است. متهم باید ثابت کند که اظهارات او به آبرو و حیثیت شاکی لطمه‌ای وارد نکرده است، خواه به این دلیل که آن اظهارات حقیقت بوده، خواه به یکی از دلایل دیگری که در بالا ذکر شد. ایالات متحده یک استثنای برجسته در این قاعده است. در آنجا اگر شکایتی از سوی یک چهره عمومی مطرح شود، مسئولیت اثبات نادرستی اظهارات متوجه شاکی یا خواهان است.

در پرونده‌های مرتبط با توهین و افترا در مورد منافع عمومی، استانداردهای بین‌المللی به سمت رویکرد ایالات متحده در پرونده نیویورک تایمز علیه سالیوان، که مسئولیت اثبات را بر عهده شاکی می‌گذارد، در حال تکامل هستند.<sup>39</sup> کنوانسیون‌های بین‌المللی آزادی بیان نیز خواستار قرار گرفتن مسئولیت اثبات بر عهده شاکی در چنین پرونده‌هایی شده‌اند. به عنوان مثال، در اعلامیه مشترک سال ۲۰۰۰، آنها خاطر نشان کرده‌اند که "شاکی باید مسئولیت اثبات نادرستی هرگونه اظهارات واقعی در خصوص موضوعات مربوط به منافع عمومی را بر عهده داشته باشد".<sup>40</sup> گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد آزادی بیان همچنین تأیید کرده است که "در مواردی که حقیقت موضوعی است، مسئولیت اثبات بر عهده شاکی است".<sup>41</sup> با این حال، با رد استدلال دادگاه حقوق بشر اروپا در رأی ۲۰۰۲ در پرونده مکویکار علیه بریتانیا، مبنی بر اتخاذ رویکرد سالیوان، هنوز اجماع قطعی در این زمینه حاصل نشده است.<sup>42</sup>

### اقدامات و راهکارهای قانونی و مجازات‌های مرتبط با توهین و افترا

مجازات‌های کیفری در این زمینه بسیار مورد توجه نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که هیچ دادگاه بین‌المللی حقوق بشری تاکنون حکم حبس برای یک خبرنگار را تأیید نکرده است. مهم است که قوانین توهین مدنی، کنترل و توازن کافی ارزیابی خسارت‌های غرامتی را در نظر بگیرند تا از محدود کردن بیش از حد آزادی بیان جلوگیری شود.

## انواع دعاوی و ادعاها

### دعای استراتژیک علیه مشارکت عمومی

از دعاوی توهین و افترا برای ساکت کردن منتقدان و روزنامه‌نگاران استفاده می‌شود. اصطلاح "دعای استراتژیک علیه مشارکت مردمی" (SLAPPs) برای توصیف مواردی به کار می‌رود که هدف آنها سرکوب عامدانه منتقدان تحت اتهامات و دعاوی حقوقی سنگین و بی‌اساس به منظور ارباب و ساکت کردن آنهاست. در این موارد، هدف کسب قضاوت مثبت نیست، بلکه هدف استفاده از اهرم تهدید جریمه مالی از طریق طرح دعاوی پرهزینه است. ادعاهای توهین و افترا اغلب به عنوان شکایت‌های اولیه در دعاوی استراتژیک علیه مشارکت مردمی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها علیه شاکیانی که چنین شکایتی را مطرح می‌کنند، رأی داده‌اند. به عنوان مثال، در پرونده Raub Australian Gold Mining Sdn Bhd علیه نویسنده‌ای به نام Hue Shieh Lee،<sup>43</sup> یک شرکت حفاری استرالیایی در دادگاه‌های مالزی شکایتی علیه نویسنده دو مقاله مطرح کرد و او را به افترا و دروغ‌پردازی عمدی متهم نمود. در این مقالات، نویسنده ادعا کرده بود که ساکنان اطراف معادن این شرکت دچار عوارض پزشکی شده‌اند. گرچه در نهایت این شکایت رد شد، اما صرف تهدید به دعاوی پرهزینه و طولانی مدت از سوی شرکت‌های ثروتمند می‌تواند اثر سرکوب‌کننده‌ای بر آزادی بیان فعالان و روزنامه‌نگاران داشته باشد.

<sup>39</sup> پرونده شرکت نیویورک تایمز علیه سالیوان، شماره U.S. 254 376 (سال ۱۹۶۴) بند ۴۰.

<sup>40</sup> اعلامیه مشترک ۲۰۰۰ در مورد چالش‌های آزادی رسانه‌ها (۲۰۰۰): <https://www.osce.org/files/f/documents/c/b/40190.pdf>

<sup>41</sup> گزارش گزارشگر ویژه در مورد ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان، مأموریت مورخه ۱۱ تا ۱۸ نوامبر ۲۰۱۳ در ایتالیا، (۲۰۱۴)

بند ۲۳: <https://undocs.org/A/HRC/26/30/Add.3>

<sup>42</sup> درخواست شماره 99/46311 (سال ۲۰۰۲)، بند ۸۷:

<https://hudoc.echr.coe.int/app/conversion/pdf/?library=ECHR&id=001-60450&filename=001-60450.pdf>

<sup>43</sup> درخواست تجدیدنظر مدنی شماره 02(f)-125-11/2017(W)، (۲۰۱۷):

[https://elaw.org/system/files/attachments/publicresource/raub\\_fedcourt\\_2019.pdf](https://elaw.org/system/files/attachments/publicresource/raub_fedcourt_2019.pdf)

تعداد محدودی از مناطق قضایی مانند برخی استان‌های کانادا،<sup>44</sup> قوانین ضد دعاوی استراتژیک علیه مشارکت مردمی را به منظور حمایت از آزادی بیان، از طریق امکان رد دعاوی بی‌پایه و اساس توهین و افترا و موارد مشابه در مراحل اولیه دادرسی، و گاهی اوقات نیز برای ارائه راه‌حل‌های ویژه برای رفع ابهام اتخاذ کرده‌اند. با این حال، به منظور حمایت از گفتار انتقادی، لازم است این قبیل قوانین ضد دعاوی استراتژیک علیه مشارکت مردمی به صورت گسترده‌تر تدوین و اتخاذ گردد. یک مطالعه در سال ۲۰۲۰ از سوی مرکز منابع کسب و کار و حقوق بشر نشان داد در سال ۲۰۱۹، مناطق جنوب شرقی آسیا دومین منطقه از نظر بالاترین آمار ثبت دعاوی استراتژیک علیه مشارکت عمومی بوده است (پس از آمریکای مرکزی). فیلیپین تنها کشور این منطقه بود که قانونی برای تعریف دعاوی استراتژیک علیه مشارکت عمومی داشت، اگرچه کاربرد آن محدود به موارد و پرونده‌های زیست‌محیطی بود.<sup>45</sup>

### آزار و اذیت آنلاین به عنوان روشی برای سرکوب مخالفان

آزار و اذیت آنلاین روزنامه‌نگاران با استفاده از ابزارهای غیرقانونی یکی دیگر از روش‌های بسیار رایج برای سرکوب آزادی بیان و مخالفان است. روزنامه‌نگاران زن به طور نامتناسبی در معرض آزار و اذیت آنلاین قرار می‌گیرند.<sup>46</sup> تعرض در فضای آنلاین می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ از جمله نظارت، ارسال پیام‌های تهدیدآمیز، هک، جعل یا انتشار تصاویر شخصی و سایر اشکال "افشای اطلاعات شخصی".

ردیابی پیام‌های آرادهنده ناشناس ممکن است دشوار باشد، اما وقتی بخشی از یک الگوی گسترده‌تر از تعرض آنلاین باشد، ممکن است نشانه‌ای از یک کمپین حمایت شده از سوی دولت برای آزار مخالفان باشد. به عنوان مثال، عفو بین‌الملل در ویتنام گزارش داده است که ده‌ها مورد از فعالان پیام‌های تهدیدآمیز دریافت کرده‌اند.<sup>47</sup> این گزارش اشاره می‌کند که معاون بخش سیاسی ارتش ویتنام در دسامبر ۲۰۱۷ یک گردان نظامی سایبری متشکل از حدود ۱۰۰۰۰ "سرباز سایبری" را معرفی کرده که وظیفه جنگ اطلاعاتی و اصلاح آنچه دولت "اطلاعات تحریف شده در اینترنت" می‌نامد را بر عهده دارند.<sup>48</sup>

### قوانین مربوط به توهین و افترا

برخی از قوانین مربوط به توهین، افترا و جرایم مرتبط در آسیا اتخاذ شده است و خطراتی برای روزنامه‌نگاران و سایر منتقدان دولت به همراه دارند. به عنوان مثال، دولت تایلند قوانین بسیار سخت‌گیرانه‌ای دارد که بر اساس آن یک فرد به دلیل "توهین به خانواده سلطنتی" به ۴۳ سال حبس محکوم شده است؛ حکمی که از جانب چندین گزارشگر ویژه سازمان ملل به شدت محکوم شده است.<sup>49</sup> به همین ترتیب جرم "اغتشاش" همچنان در قوانین بسیاری از کشورها وجود دارد و برای سرکوب آزادی بیان از آن استفاده می‌شود.<sup>50</sup>

یکی از پیشرفت‌های اخیر، تصویب قوانین "اخبار جعلی" در کشورهای مختلف است. این قوانین توسط دولت‌ها با هدف حفاظت از امنیت ملی، نظم عمومی و مقابله با اشاعه اطلاعات نادرست ناشی از رشد

<sup>44</sup> اوسلر، O'Brien و Tsilivis، "دادگاه استیناف انتاریو مرحله آزمایشی قانون "ضد دعاوی استراتژیک علیه مشارکت عمومی" را تشریح و شفاف‌سازی می‌کند" (۲۰۱۸):

<https://www.osler.com/en/resources/regulations/2018/ontario-court-of-appeal-clarifies-test-under-anti-slapp-legislation>

<sup>45</sup> مرکز منابع کسب و کار و حقوق بشر، "دعواهای استراتژیک علیه مشارکت عمومی: موارد جنوب شرقی آسیا و توصیه‌هایی برای دولت‌ها، مشاغل و جامعه مدنی" (۲۰۲۰):

[https://media.business-humanrights.org/media/documents/files/SLAPPs\\_in\\_SEA\\_2020\\_Final.pdf](https://media.business-humanrights.org/media/documents/files/SLAPPs_in_SEA_2020_Final.pdf)

<sup>46</sup> یونسکو، «خسونت آنلاین علیه زنان روزنامه‌نگار: تصور جهانی از وقوع و تأثیرات» (۲۰۲۰):

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000375136>

<sup>47</sup> عفو بین‌الملل، "بگذارید نفس بکشیم!" سانسور و جرم‌انگاری بیان آنلاین در ویتنام (۲۰۲۰)، ص ۵۱، بخش ۴.۳.۲:

<https://www.amnesty.org/en/documents/asa41/3243/2020/en/>

<sup>48</sup> همان، بخش ۴.۳.۳، صفحات ۵۲ و ۵۳.

<sup>49</sup> دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، «تایلند: کارشناسان سازمان ملل از افزایش استفاده از قوانین جرم توهین به شأن و جایگاه پادشاه یا یک دولت ابراز نگرانی کردند» (۲۰۲۱):

<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2021/02/thailand-un-experts-alarmed-rise-use-lese-majeste-laws?LangID=E&NewsID=26727>

<sup>50</sup> دیکشنری مریام وبستر، "آشوب و اغتشاش": <https://www.merriam-webster.com/dictionary/sedition>

اینترنت و رسانه‌های اجتماعی توجیه می‌شوند. اما به همان اندازه که این قوانین انتشار اخبار جعلی و نادرست را ممنوع می‌کنند، حق آزادی بیان را هم نقض می‌کنند.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و دادگاه‌های منطقه‌ای، از جمله **دادگاه بین‌المللی حقوق بشر**، **دادگاه حقوق بشر و مردم آفریقا** و **دادگاه حقوق بشر اروپا**، استدلال کرده‌اند که مقامات دولتی باید نسبت به سایر افراد عادی جامعه، در برابر انتقاد از حمایت کمتری برخوردار شوند.<sup>51</sup> مقامات دولتی به واسطه جایگاه و به دلیل دسترسی به رسانه‌ها و قدرتی که در اختیار دارند، می‌توانند از موقعیت خود برای محدود کردن آزادی بیان و تحت تعقیب و پیگرد قرار دادن منتقدان سوءاستفاده کنند. بنابراین حمایت بیشتری از منتقدان آنها ممکن است برای جبران این عدم تعادل قدرت ضروری باشد. علاوه بر این، اساساً لازم است که مقامات دولتی پذیرای انتقادات و نظرات عمومی باشند. همانطور که دادگاه اروپایی استدلال کرده است:

"یک سیاستمدار به صورت گریزناپذیر و آگاهانه ای خود را در معرض بررسی دقیق هر گونه گفتار و رفتار توسط روزنامه‌نگاران و عموم مردم قرار می‌دهد، و باید مدارای بیشتری از خود نشان دهد، به‌ویژه زمانی که اظهارات خود را به صورت عمومی و علنی بیان می‌کند که قابل انتقاد است."<sup>52</sup>

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR) خواستار لغو جرم "توهین به دولت" شده است،<sup>53</sup> و برخی از حوزه‌های قضایی نیز به مقامات دولتی اجازه نداده‌اند دعاوی مرتبط با توهین و افترا را مطرح نمایند.<sup>54</sup> دادگاه حقوق بشر اروپا این دعاوی را فقط در مواردی که تهدیدی برای نظم عمومی محسوب شوند مجاز دانسته است؛ به این معنا که دولت‌ها نمی‌توانند صرفاً برای حفظ آبرو و اعتبار خود، دعاوی توهین و افترا را مطرح کنند.<sup>55</sup>

## نتیجه‌گیری

جرمانگاری توهین و افترا، به ویژه با گسترش پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی آنلاین، خطری جدی برای آزادی بیان محسوب می‌شود. از یک طرف، طرح و رسیدگی به دعاوی افترا، یک هدف مشروع و قانونی یعنی حفاظت از اعتبار و حیثیت افراد را دنبال می‌کنند. اما از سوی دیگر، اغلب از این دعاوی برای ساکت کردن و مجازات مخالفان سوءاستفاده می‌شود. علی‌رغم روند اخیر در جرم‌زدایی از افترا، همچنان لازم است در کشورهای بیشتری توهین و افترا جرم‌زدایی شود یا حداقل مجازات‌های کیفری آن حذف و برداشته شود. همچنین باید اقدامات لازم اتخاذ گردد تا از صدور احکام غرامت مدنی افراطی در پرونده‌های مرتبط با توهین و افترا جلوگیری شود و در قوانین توهین و افترا، ارائه دفاعیات مناسب برای افراد متشاکلی تضمین گردد، و همچنین قوانین حمایتی ضد دعاوی استراتژیک علیه مشارکت عمومی تصویب گردد.

<sup>51</sup> مراجعه کنید به منابع ارائه شده در سند ۳۲.

<sup>52</sup> پرونده شکایت oberschlick علیه اتریش، درخواست شماره 92/20834، (۱۹۹۷)، بند ۲۹.

<https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-58044>

برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص، مراجعه کنید به پرونده اصلی که التزام مقامات دولتی را برای مواجهه با آستانه انتقاد بالاتر نشان می‌دهد، و همچنین به پرونده نیویورک تایمز علیه سالیوان در دادگاه عالی ایالات متحده، شماره 376، US 254 (سال ۱۹۶۴)، بند ۲۷۹ و ۲۸۰.

<https://supreme.justia.com/cases/federal/us/376/254/>

<sup>53</sup> دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، مشاهدات نهایی کمیته حقوق بشر: مورد صربستان و مونته‌نگرو، CCPR/CO/81/SEMO (12/08/2004)، بند ۲۲: <https://www.refworld.org/docid/42ce6cfe4.html>

<sup>54</sup> دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، «گزارش گزارشگر ویژه در مورد ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان»، شماره E/CN.4/2000/63، (سال ۲۰۰۰): <https://www.ohchr.org/en/issues/freedomofopinion/pages/annual.aspx>

<sup>55</sup> همان